

پاسخ تشریحی سوالات گرامر اردیبهشت ۴۰۳

استیری

مسوول درس منحصرآ زبان قلمچی

۱- گزینه «۱»

با توجه به ساختار "that clause" در ادامه جمله، در جای خالی نمی توان از "too" استفاده کرد (رد گزینه «۳»). با توجه به ترکیب اسمی "a great diplomat" در جای خالی تنها می توان از کلمه تشدیدکننده "such" به معنای «چنین» استفاده کرد (رد گزینه های «۲ و «۴»).

۲- گزینه «۴»

در جای خالی نیاز به مفهوم «که» داریم، پس نیاز به ضمیر موصولی داریم (رد گزینه های «۱ و «۳»). با توجه به ترکیب فعلی "name for"، در جای خالی باید قبل از ضمیر موصولی از حرف اضافه "for" استفاده کنیم (رد گزینه «۲»).

۳- گزینه «۲»

با توجه به زمان گذشته فعل "was closing"، در جای خالی نمی توان از زمان حال کامل استفاده کرد (رد گزینه «۱»). با توجه به حرف همپایه ساز "and" نمی توان از گزینه های «۳ و «۴» استفاده کرد.

۴- گزینه «۳»

بعد از فعل "forget" هم می توان از فعل "ing" دار و هم مصدر با "to" (رد گزینه «۴»). اگر مفهوم این فعل به صورت «فراموش کردن انجام کاری» باشد، بعد از آن از مصدر با "to" استفاده می کنیم. اما اگر منظور «فراموش کردن خاطره انجام کاری» باشد که در گذشته اتفاق افتاده است، باید از فعل "ing" دار استفاده کنیم. با توجه به مفهوم جمله نمی توان از فعل "ing" دار در جای خالی استفاده کرد (رد گزینه «۲»). هیچ دلیلی برای استفاده از مصدر کامل در جای خالی وجود ندارد (رد گزینه «۱»).

۵- گزینه «۴»

با توجه به وارونگی صورت گرفته در ابتدای جمله، مشخص است که با ساختار شرطی نوع «۳» رو به رو هستیم. در قسمت نتیجه این نوع شرطی باید از ساختار "would have p.p." استفاده کنیم. ابتدای جمله در اصل به صورت "If I had realized" بوده است که دچار وارونگی شده است.

۶- گزینه «۳»

هیچ دلیلی برای به کارگیری ساختار التزامی در جای خالی نداریم (رد گزینه «۱»). ساختار به کار رفته در گزینه «۲» اساساً نادرست است. ساختار به کار رفته در گزینه «۴» فاقد فاعل است (رد گزینه «۴»).

۷- گزینه «۱»

فعل “come” نیاز به حرف اضافه “from” دارد (رد گزینه های «۲ و ۳»). مفهوم «که» در گزینه «۴» وجود ندارد (رد گزینه «۴»).

۸- گزینه «۴»

با توجه به ساختار سببی “have somebody do something” به معنای «وآدار کردن کسی به انجام کاری»، در جای خالی نیاز به شکل ساده فعل داریم (رد گزینه های «۱، ۲ و ۳»).

۹- گزینه «۲»

بعد از “despite” و “in spite of” نمی توان از جمله کامل استفاده کرد (رد گزینه های «۱ و ۴»). جایگاه کلمه “however” در ابتدای جمله دوم است، نه جمله اول (رد گزینه «۳»).

۱۰- گزینه «۲»

با توجه به ساختار شرطی به کار رفته در ابتدای جمله، بعد از ویرگول نیاز به یک جمله کامل داریم. پس جای خالی باید با یک فاعل شروع شود (رد گزینه های «۱ و ۳»). در گزینه «۴» مطابقتی بین “that” و “were” به لحاظ تعداد وجود ندارد (رد گزینه «۴»).

۱۱- گزینه «۳»

بعد از “lest” نیاز به ساختار التزامی داریم که تنها در گزینه «۳» وجود دارد.

۱۲- گزینه «۴»

از ساختار “must have p.p.” برای بیان استنتاج منطقی بر اساس شواهد استفاده می کنیم. به طور مثال شما شاهد قهرمانی های متوالی چلسی در سال های اخیر بوده اید، می توان گفت:

Chelsea must have been the best team in Europe.

۱۳- گزینه «۲»

بعد از قید تشدیدکننده "too" باید از مصدر با "to" استفاده کنیم (رد گزینه های «۳ و ۴»). در جمله واره اسمی بعد از "what" باید از ساختار غیرسوالی استفاده کنیم (رد گزینه «۱»).

۱۴- گزینه «۱»

در جای خالی برای جلوگیری از تکرار می توان از "as" به معنای «همانطور» استفاده کنیم. دقت کنید که در این ساختار جمله دچار وارونگی می شود.

۱۵- گزینه «۳»

بعد از "had better" به معنای «بهتر بودن» و "would rather" به معنای «ترجیح دادن» از فعل ساده باید استفاده کنیم (رد گزینه های «۱، ۲ و ۴»).

استیری (S3)

مسوول درس منحصرآ زبان قلمچی

مولف کتاب های آبی و زرد منحصرآ زبان قلمچی

@monhaseran_zaban_english

16- I recently taught a writing course for undergraduates and was surprised

how many of them chose to write about their childhoods.

- 1) to 2) in 3) as of 4) **at**

۱۶- من اخیراً یک دوره نویسنده‌گی برای یان مورد دوران کودکی خود بنویسند.

نکته: اصطلاح be surprised at/by sth به معنی «از چیزی متعجب شدن» است.

17- Self-care contains as many definitions as there are people who care of themselves.

- 1) **take** 2) do 3) make 4) set

۱۷- ی به تعداد افرادی که ی کنند، دارای تعاریف است.

نکته: اصطلاح take care of sb به معنی «است»

18- There's nothing autobiographical in the book; I just a story, although I did use my memory of my home town.

- 1) made out 2) **made up** 3) made in 4) made off

۱۸- هیچ چیز مرتبط با شرح حال در این کتاب وجود ندارد. من فقط یک سر هم کردم، اگرچه من از حافظه

(۱) درک کردن (۲) درست کردن (۳) ساختن در (۴) در رفتن

نکته: اصطلاح make up a story به معنی «است»

19- The broken-down food is into the bloodstream from the small intestine and the nutrients are carried to each cell in the body.

- 1) travelled 2) deviated 3) plowed 4) **absorbed**

۱۹- غذای تجزیه‌شده از روده کوچک جذب جریان خون می‌شود و مواد مغذی به هر سلول بدن منتقل می‌شود.

(۱) سفر کردن (۲) منحرف شدن (۳) شخم زدن (۴) جذب کردن

20- I promise to remain to the welfare of my family, to the people of Arkansas and to this nation.

- 1) invulnerable 2) alleged 3) **dedicated** 4) concerned

۲۰- من قول می‌دهم برای ین ملت، متعهد بمانم.

(۱) آسیب‌ناپذیر (۲) ادعا شده (۳) متعهد (۴) نگران

نکته: اصطلاح remain dedicated to sth به معنی «متعهد به چیزی ماندن» است.

21- Some are allowed to take early, including the military, police officers and people with physically-demanding jobs.

- 1) **retirement** 2) wage 3) suspension 4) migration

۲۱- برخی، از جمله نظامیان، میس و افرادی که دارای مشاغل سخت فیزیکی می‌باشند، ی

۱ ی ۲ ی ۳ تعلیق ۴

نکته: اصطلاح take early retirement به معنی «است»

22- They called an emergency strategic meeting—not to make a small but to make a complete shift in how they operate.

- 1) career 2) business 3) **adjustment** 4) fortune

۲۲- آنها یک جلسه ی انجام یک اصلاح کوچک، بلکه برای ایجاد یک تغییر کامل در نحوه شان

(۱) شغل (۲) تجارت (۳) اصلاح (۴) ثروت

نکته: اصطلاح make adjustment به معنی «اصلاح کردن» است.

23- The hero of the novel is motivated by a desire for against those who have wronged him.

- 1) inconvenience 2) **revenge** 3) impatience 4) tendency
- ۲۳- این رمان به واسطه میل شدید به کسانی است که به او ظلم کرده‌اند تحریک شده است.
- ۱ ی ۲ ۳) بی‌صبری ۴) تمایل
- نکته: اصطلاح revenge against sb به معنی « » است.

24- If we do not actively try to preserve our, we risk losing the common experience that makes each of us who we are.

- 1) scope 2) future 3) satisfaction 4) **heritage**
- ۲۴- ی حفظ میراث خود تلاش نکنیم، در خطر از دست دادن تجربه مشترکی هستیم که می‌سازد.
- ۱) دامنه ۲) آینده ۳) رضایت ۴) میراث

25- The majority of arrests carried out by the US military appear to be entirely, often based only on the unreliable words of an informant.

- 1) **arbitrary** 2) justifiable 3) guaranteed 4) mindful
- ۲۵- به نظر می‌رسد اکثر دستگیری‌های انجام‌شده توسط ارتش ایالات متحده کاملاً یک خبرچین و اغلب فقط بر اساس سخنان باشد.
- ۱ ۲) توجیه‌پذیر ۳) تضمین‌شده ۴

26- Now the city existed as a parking lot of hastily cars—some with their engines still running.

- 1) **abandoned** 2) driving 3) cast 4) refrained
- ۲۶- اکنون شهر مانند پارکینگی از اتومبیل اند—برخی از آنها] رها کردن ی کردن ی کردن
- ۱) رها کردن ۲ ی کردن ۳ ۴

27- For more than two years, a nurse used a web of lies to gain employment, and lied again to cover her incompetence.

- 1) considerate 2) white 3) **elaborate** 4) concerned
- ۲۷- بیش از دو سال، یک ای از دروغ‌های برای کار پیدا کردن به کار برد و ی کفایتی خود را مخفی کند.
- ۱) باملاحظه ۲) سفید ۳) مفصل ۴) نگران، مرتبط

28- The apartments she showed me were not deals—enormously expensive, tiny (no roommate possible) and looking onto brick walls.

- 1) securely 2) partially 3) deceptively 4) **decidedly**
- ۲۸- هایی که او به من نشان داد - بسیار گران، کوچک (بدون امکان [داشتن] هم‌اتاقی) و نمای آنها رو به دیوارهای آجری بود.
- ۱) به‌طور ایمن ۲) به‌صورت جزئی ۳) به‌طرز فریبنده ۴)

29- In fact, a good of my library was founded on buys from online websites.

- 1) purchase 2) **proportion** 3) establishment 4) appearance
- ۲۹- در واقع، بخش زیادی من بر اساس خرید از وب‌سایت‌های آنلاین است.
- ۱) خرید ۲) بخش، نسبت ۳) مؤسسه، تأسیس ۴) ظاهر

30- Jurors almost always start with a strong that someone wouldn't be charged with a crime unless the police were firmly convinced of his guilt.

- 1) familiarity 2) ambiguity 3) **presumption** 4) sonority
- ۳۰- اعضای هیئت منصفه تقریباً همیشه با یک قوی شروع می‌کنند که کسی به جرمی متهم نمی‌شود مگر این که پلیس گناهش
- ۱) آشنایی ۲) ابهام ۳) فرض ۴) رسایی صدا

31- Injuries were minor, and damage was confined to a few floors, but this latest setback underscored the project's luck.

- 1) perishable
- 2) pure
- 3) rotten
- 4) sudden

۳۱- صدمات جزئی بود و آسیب به چند طبقه محدود می‌شد، اما این شکست اخیر نشان‌دهنده شانس گند این پروژه بود.

- (۱) فاسد شدنی
- (۲) خالص
- (۳)
- (۴)

نکته: اصطلاح rotten luck به معنی « است. »

32- As they cannot work legally in Thailand, they have little option but to a living collecting rubbish, or to take ill-paid informal work on construction sites.

- 1) seize
- 2) grip
- 3) lead
- 4) scratch

۳۲- از آنجایی که آنها نمی‌توانند قانونی در تایلند کار کنند، چاره‌ای ندارند جز این که با جمع‌آوری زباله یا انجام کار غیررسمی با حقوق

ناچیز در مکان‌های درحال ساخت، درحد بخور و نمیر زندگی کنند.

- (۱) گرفتن، توقیف کردن
- (۲) محکم گرفتن، تحت تأثیر قرار دادن
- (۳) هدایت کردن
- (۴) خراش

نکته: اصطلاح scratch (out)/scrape (out)/ eke out a living به معنی «درحد بخور و نمیر زندگی کردن» است.

33- Even our 8-year-old, who is bored by the unchallenging playgrounds near our home, was greatly excited by the advanced equipment.

- 1) stiff
- 2) hypnotic
- 3) incurious
- 4) voiceless

۳۳- حتی بچه ۸ ساله ما که حوصله‌اش به خاطر زمین‌های بازی بدون چالش در نزدیکی خانه‌ما حسابی سر رفته بود، از تجهیزات پیشرفته بسیار

هیجان‌زده شد.

- (۱) سفت، جدی و خشک
- (۲) هیپنوتیزمی، خواب‌آور
- (۳) بی‌توجه
- (۴) بی‌صدا

نکته: اصطلاح bored stiff/silly/rigid به معنی « حوصله و کسل » است.

34- It is necessary to hold a debate on how best to regulate the markets. And who are more qualified to than two Nobel-prize-winning American economists with famously forthright views on the matter?

- 1) pent it up
- 2) cut it up
- 3) eke it out
- 4) thrash it out

۳۴- لازم است در مورد نحوه تنظیم بازار بحث شود. و چه کسی بیشتر

مشهور در مورد این موضوع صلاحیت آن را دارد؟

- (۱) سرکوب کردن
- (۲)
- (۳) کم خرج کردن
- (۴) حل و فصل کردن

35- The worry, of course, is that their increasingly approach to innovation will mean fewer breakthrough drugs.

- 1) boisterous
- 2) chary
- 3) convivial
- 4) diligent

۳۵- نگرانی این بابت است که رویکرد

- (۱)
- (۲)
- (۳) مشرب
- (۴) سخت‌کوش و بادقت

پاسخ تشریحی سوالات ترتیب اجزا اردیبهشت ۴۰۳

استیری

مسوول درس منحصرآ زبان قلمچی

۳۶- گزینه «۱»

ترکیب واژگانی "be supposed to do something" به معنای «قرار بودن» می باشد (رد گزینه های «۲» و «۳»). در جملات نقل قول فعل "will" تبدیل به "would" می شود (رد گزینه «۴»).

۳۷- گزینه «۳»

در ۲ طرف ویرگول نمی توان ۲ جمله کامل داشت (رد گزینه «۲»). در جمله نیاز به ساختار "other than" به معنای به جز داریم (رد گزینه های «۱»، «۲» و «۴»).

۳۸- گزینه «۴»

دقت کنید که در ترکیب "dedicated to something"، کلمه "to" یک حرف اضافه محسوب می شود و بعد از آن نیاز به اسم مصدر یا همان فعل "ing" دار داریم (رد گزینه های «۲» و «۳»). مشخصاً ترکیب "move the times" ترکیبی معیوب است و نیاز به حرف اضافه "with" دارد تا مفهوم «همراه با زمان حرکت کردن» را منتقل کند.

۳۹- گزینه «۲»

فعل "deny" نیاز به حرف اضافه "to" ندارد (رد گزینه «۴»). جمله اول در گزینه «۳» فاقد فعل اصلی است چرا که فعل "giving" به صورت اسم مصدر به کار رفته است (رد گزینه «۳»). ترکیب "who's to denying" در گزینه «۱» کاملاً معیوب است (رد گزینه «۱»).

۴۰- گزینه «۲»

با توجه به ترکیب "can't help but do something" تنها می توان گزینه «۲» را به عنوان پاسخ انتخاب کرد.

استیری (S3)

مسوول درس منحصرآ زبان قلمچی

مولف کتاب های آبی و زرد منحصرآ زبان قلمچی

@monhaseran_zaban_english

۱۴۰۳ - بخش

۶۱ کنکور زبان ۹۶

A: Bob, did you finally (41) and tell your dad about crashing his car?

B: Not really; I'm still (42) about it.

A: Come on, man! Sooner or later, you must face the (43).

B: Tell me about it!

- 41- 1) bite the bullet 2) get out of hand
3) jump on the bandwagon 4) chase the wild goose
- 42- 1) looking forward 2) with double standards
3) in two minds 4) in a blue moon
- 43- 1) dark 2) wind 3) mirror 4) music

الف: باب، آن کار دشوار را انجام دادی و به پدرت درباره تصادف با

گفتی؟

ب: نه راستش. من هنوز در موردش مردد هستم.

الف: بجنب پسر! دیر یا زود، باید با عواقب کارت روبرو بشی.

ب:

!

(۱ - ۴۱) ۲) از کنترل خارج شدن

(۳) به گروه خاصی ملحق شدن (۴) دنبال نخود سیاه گشتن

(۱ - ۴۲) ۲) اصول تبعیض آمیز ، اصول

(۳) مردد، دودل (۴) به ندرت

(۱ - ۴۳) ۲) باد (۳) آینه (۴) نکته: اصطلاح face the music به معنی «با عواقب کار خود روبرو شدن» است.

A: Joey, a (44) told me that the team coach has suddenly left.

B: Yeah. But how did you find out?

A: I'll tell you later. How are things going now?

B: Well, as always, the team captain has stepped up to the (45) and taken charge.

- 44- 1) cat nap 2) holy cow 3) little bird 4) guinea pig
- 45- 1) plate 2) ladder 3) desk 4) pot

دوم:

ج: جوئی، کلاغها خبر آوردند که مربی تیم یک دفعه رفته است.

ب:

ج: بعدا بهت میگویم. الان اوضاع

ب: خوب، مثل تیم _____ را عهده دار شده و کنترل اوضاع را به دست گرفته است.

(۱ - ۴۴) چرت کوتاه (۲) شگفتا! ای وای! (۳) کلاغها (۴)

نکته: اصطلاح a little bird told me به معنی «کلاغ» است.

(۱ - ۴۵) بشقاب (۲) میز (۳) نکته: اصطلاح step up to the plate به معنی «

» است.

پاسخ تشریحی سوالات کلوز اردیبهشت ۴۰۳

استیری

مسوول درس منحصرآ زبان قلمچی

۴۶- گزینه «۲»

به ترکیب واژگانی "come of age" به معنای «به بلوغ رسیدن» دقت کنید.

۴۷- گزینه «۴»

غبارت قبل از جای خالی نقش فاعل را برای فعل "seem" بازی می کند، پس نباید فاعلی دیگر در جمله داشته باشیم (رد گزینه «۳»). در جای خالی نیاز به مفهوم «که» داریم (رد گزینه «۱»). به کارگیری مصدر با "to" بعد از "seem" بهترین و طبیعی ترین انتخاب است (رد گزینه «۲»).

۴۸- گزینه «۱»

به ترکیب واژگانی "break new ground" به معنای «نوآوری کردن» دقت کنید.

۴۹- گزینه «۱»

با توجه به عدم وجود فعل اصلی در ادامه جمله، ناچاریم در جای خالی یک فعل اصلی داشته باشیم (رد گزینه های «۲ و ۳»). اگر قرار است در جای خالی "as" قرار دهیم، بعد از ویرگول باید جمله کامل داشته باشیم (رد گزینه «۴»).

۵۰- گزینه «۳»

(۱) مطمئن (۲) افزودنی (۳) نشانه، نماینده (۴) نمادین

به ترکیب واژگانی "emblematic of" به معنای «نشانه چیزی بودن» دقت کنید.

۵۱- گزینه «۴»

با توجه به وجود ساختار اسمی "different perspectives" در انتهای جای خالی باید "from" داشته باشیم (رد گزینه های «۱ و ۲»). کلمه "review" در گزینه «۳» به عنوان اسم به کار رفته است که کاملاً معیوب است (رد گزینه «۳»).

۵۲- گزینه «۲»

با توجه به وجود نقطه ویرگول (;) قبل از جای خالی، باید از جمله کامل در جای خالی استفاده کنیم که تنها در گزینه «۲» وجود دارد.

۵۳- گزینه «۱»

در ساختار زمان حال کامل بعد از "have" باید از "past participle" استفاده کنیم.

۵۴- گزینه «۴»

(۱) وارونه (۲) پیچیده (۳) یکطرفه (۴) مستقیم، سراسر

۵۵- گزینه «۳»

(۱) وارد شدن به (۲) سبک کردن، خفیف کردن

(۳) پیچیده کردن (۴) ریشه کن کردن

استیری (S3)

مسوول درس منحصرآ زبان قلمچی

مولف کتاب های آبی و زرد منحصرآ زبان قلمچی

@monhaseran_zaban_english

متن اول:

56- The underlined word "dense" in paragraph 1 is closest in meaning to

- 1) protected 2) thick 3) beautiful 4) tropical

۵۶- کلمه زیر خط دار « در »
 ۱
 ۲) انبوه

57- All of the following phrases are mentioned in the passage EXCEPT

- 1) giant lobelia 2) capuchin monkey 3) wattle bark 4) town of Moshi

۵۷-
 ۱) ميمون کپوچين
 ۲)
 ۳)
 ۴)
 ۵)
 ۶)
 ۷)
 ۸)
 ۹)
 ۱۰)

58- Which of the following best describes Johannes Rebmann and Johann Ludwig Krapf's goal in going to the Kilimanjaro region?

- 1) Religion 2) Tourism 3) Sport 4) Trade

۵۸- کدام یک از موارد زیر، هدف یوهانس رېمانس و یوهان لودویگ کراپف را از رفتن به منطقه کلیه توصیف می کند؟
 ۱) مذهب
 ۲)
 ۳)
 ۴)
 ۵)
 ۶)
 ۷)
 ۸)
 ۹)
 ۱۰)

59- What does paragraph 1 mainly discuss?

- 1) The rare species inhabiting Kilimanjaro
 2) The variety of birds of prey living on Kilimanjaro
 3) The vegetation zones and wildlife on Kilimanjaro
 4) The species that are Kilimanjaro's main tourist attraction

۵۹-
 ۱
 ۲)
 ۳) مناطق دارای پوشش گیاهی و حیات وحش در کلیه
 ۴)
 ۵)
 ۶)
 ۷)
 ۸)
 ۹)
 ۱۰)

60- According to the passage, which of the following statements is true?

- 1) Because of the presence of wildlife in the Kilimanjaro region, few people live there permanently.
 2) The German geographer Hans Meyer and the Austrian climber Ludwig Purtscheller first climbed the peak of Kibo in mid-19th century.
 3) The moss communities at the foot of Kilimanjaro create a proper place for certain species to live.
 4) Moshi, a town situated at the southern foot of Kilimanjaro, serves as the primary trading hub and base for mountain climbs.

۶۰- با توجه به متن، کدام یک از جملات زیر صحیح است؟
 ۱)
 ۲)
 ۳)
 ۴) موشی، شهری واقع در بخش جنوبی کلیه مرکز اصلی تجاری و پایگاه
 ۵)
 ۶)
 ۷)
 ۸)
 ۹)
 ۱۰)

متن دوم:

61- The underlined phrase "the latter" in paragraph 2 refers to

- 1) other forms of hearsay 2) social mores
 3) rumors 4) gossip and rumors

۶۱- عبارت زیر خط دار «دومی» در
 ۱) اشکال دیگر شنیده‌ها
 ۲) به اشاره دارد.
 ۳)
 ۴)
 ۵)
 ۶)
 ۷)
 ۸)
 ۹)
 ۱۰)

62- Which of the following techniques is used by the author in paragraph 2?

- 1) Statistics
- 2) Comparison
- 3) Appeal to authority
- 4) Description based on chronological order

۶۲- نویسنده در ۲ از کدام یک از تکنیک‌های زیر می‌کند؟
(۲) مقایسه

63- Why do the authors state that “rumors today flourish on the Internet” in paragraph 2?

- 1) To prove that nowadays rumors are as widespread as before
- 2) To undermine a point mentioned in the same sentence
- 3) To show that the internet is not so trustworthy as it is believed
- 4) To exemplify a point mentioned in the same paragraph

۶۳- چرا نویی در پاراگراف ۲ بیان می‌کنند که « یعات در اینترنت رشد می‌کنند»؟
(۴) تا مثالی از نکته ذکر شده در همان

64- According to the passage, which of the following statements is true?

- 1) The focus on the individual, derived from Floyd Allport’s perspective on social psychology in the 1920s, was more severely criticized immediately after the war.
- 2) Compared with other similar concepts such as gossip, rumors are in a sense more general by definition and more serious.
- 3) The “dated” definition of rumor, mentioned in the passage, is nevertheless appropriate as it captures the element of authenticity evident in this concept.
- 4) Prasad gathered and organized 30 rumors, primarily consisting of false accounts spreading during an earthquake.

۶۴- با توجه به متن، کدام یک از جملات زیر صحیح است؟
(۳) تعریف «قدیمی» شایعه، که در متن ذکر شد، با این وجود مناسب است، زیرا عنصر صحت مشهود در این مفهوم را می‌گیرد.

65- In which position marked by [1], [2], [3,] or [4], can the following sentence best be inserted in the passage?

Similarly, social perception, originally conceived as ‘a very communal affair, not something everyone did for himself,’ was studied as an individual’s attribution of the cause of behavior.

- 1) [4]
- 2) [3]
- 3) [2]
- 4) [1]

۶۵- در کدام جایگاهی که با [۱]، [۲]، [۳] یا [۴] مشخص شده است، می‌توان جمله زیر را به بهترین وجه در متن قرار داد؟
به ی، که در اصل «یک امر بسیار جمعی، نه کاری که هرکس برای خودش انجام می‌داد» لحاظ می‌شد، به عنوان فرد از می‌گرفت.
(۳) [۲]

متن سوم:

66- The underlined word “decadence” in paragraph 1 is closest in meaning to

- 1) narrative
- 2) lunacy
- 3) characteristic
- 4) degeneracy

۶۶- کلمه زیر خط دار «زوال» در ۱ است.
۴

67- Which of the following best indicates the areas associated with Chris Bongie, Thomas Moore and William Jones, respectively?

- 1) Criticism, literature and translation
- 2) Translation, criticism and literature
- 3) Translation, literature and criticism
- 4) Literature, translation and criticism

۶۷- کدام یک از موارد زیر به ترتیب حوزه‌های مرتبط با کریس بونجی، توماس مور و ویلیام جونز را به

بهترین نحو نشان می‌دهد؟

(۱) نقد، ادبیات و ترجمه

68- According to the passage, which of the following statements is NOT true?

1) Of the two kinds of exoticism, the latter favors the less developed, savage territories, portraying them as a potential sanctuary from the excessive pressures of modernity.

2) Edward Said proposed the phrase “imperialist and exoticizing exoticism” to make a distinction between two diametrically-opposed approaches to the less developed, savage territories.

3) Thomas Moore’s *Lalla Rookh* presents a merging of different attitudes and contrasting ideas, showcasing an imaginary landscape of Persia during the nineteenth century.

4) In English poetry, the portrayal of Shiraz mirrors its depiction in Persian verse. It is presented as a magnificent garden, a setting for romantic tales, and a city teeming with marvels.

۶۸- با توجه به متن، کدام یک از جملات زیر صحیح نیست؟

۲ دید عبارت « امپریالیستی و مرموز » را پیشنهاد کرد تا بین دو رویکرد کاملاً متضاد

نسبت به سرزمین‌های کمتر توسعه‌یافته و بدوی تمایز قائل شود.

69- The passage provides sufficient information to answer which of the following questions?

1) Has Persian poetry in any way shaped and colored the way Iran is depicted in 19th-century English poetry?

2) Which city of Iran gets the lion’s share of attention in the vast body of work known as Western poetry?

3) In which book was the term “Orientalized” first used in a literary context to refer to a specific approach to the East by Western writers?

4) During which century did the Persian poet Hafiz live in the famous city of Shiraz?

۶۹- این متن ی برای پاسخ به کدام یک از سؤالات زیر ارائه می‌دهد؟

(۱) آیا شعر فارسی به هر نحوی، گونه‌ای که ایران

به تصویر کشیده شده

است، شکل و رنگ داده است؟

70- Which of the following statements can best be inferred from the passage?

1) Wordsworth was among the English poets who were particularly keen on adopting themes and concepts from Persian literary tradition.

2) The East, as envisioned by the Persian poet Hafiz, is composed of seven territories, of which Shiraz was the most significant one.

3) In Western poetic depictions of the East in general, and Iran in particular, during the 19th century, fidelity to truth was not a top priority.

4) The representation of the beauty of Persia in Western poetry in the 19th century proves that it would be wrong to characterize western approaches as “Orientalized.”

۷۰- کدام یک از جمله‌های زیر را می‌توان به بهترین نحو از این متن

(۳) در تصویرهای غرب از شرق به طور عام، و ایران

ی

به حقیقت اولویت اصلی نبود.